

چه باید های که به اجرا و انجام آنها مشترکاً اقدام ورزید!؟

در این تحلیل من بالای دو موضوع حیاتی تماس گرفته و آنها را مورد غور و بررسی قرار داده ام.

اول: اوضاع عمومی در شرایط حاضر در کشور.

دوم: وظایف نیرو های ترقی خواهان و تجدد طلبان در شرایط حاضر.

اوضاع عمومی در شرایط حاضر در کشور:

کاری تشکیل اردوی ملی (وعده داده شده از جانب کشور های بزرگ سرمایه داری) به درستی و به وجه احسن آن به پیش برده نمی شود.

حکومت فعلی در افغانستان آله بی دست گروه ها و تنظیم های جهادی گردیده و آنها به سهولت می توانند، هرگونه خواست (آیدیولوژیکی، نظامی و سیاسی) خود را بالای آن تحمیل نمایند.

افراطیون اسلامی در وجود (طالبان) پایگاه بی خود را در داخل کشور مجدداً استحکام بخشیده و به حملات تروریستی شان نه تنها شدت بی سابقه بی را بخشیده اند، بلکه بیهراس آنرا پیش می برند.

تولید، پرسیس و ترافیک مواد کافی مخدر در داخل و اطراف کشور رقم سرسام آور را تشکیل داده و در عقب این جنایت بشری به گمان اغلب جنگ سالاران و نیرو های حاکم در کشور قرار دارند.

باوجودی گذارشات و احصایه های رسمی در باره بی رشد عایدات سرانه و درآمد سالانه از جانب دولت، همین اکنون مردم افغانستان هنوز هم یکی از فقیر ترین مردمان کشورهای دنیا به حساب رفته (درآمد سرانه را حدود سیزده دالر امریکایی) تشکیل میدهد.

موسسات تولیدی به فعالیت منظم خود آغاز نه نموده، افزایش قیمت در منازل مسکونی و تادیه بی کرایه بلند برای منازل، زنده گی را برای مردم کشور غیر قابل تحمل نموده و حل این معضله یکی از مشکلات درد آوری دیگری برای باشندگان مرکز و ولایات کشور گردیده است.

خشک سالی های پیهم تقلیل قابل ملاحظه بی را در کشاورزی به وجود آورده، کمبود انرژی برق، کمبود آب آشامیدنی و زمستان بدون محروقات رنج مردم را بالا برده است.

اکثراً از مجاهدان در اپرات اردو و پولیس جلب و جذب گردیده و امروز برای هیچ کسی پنهان نمی باشد، که بسیاری آنها در عقب اکثری از جنایات در داخل کشور قرار دارند. پولیس کشور خود منبع عمدهء جرم و جنایات در کشور بوده و اکثراً در انجام آن با جنایت کاران شریک می باشد. تاکنون نمونه های فراوان استفاده از یونیفورم پولیس توسط جنایت کاران هنگام اجرا و انجام آن چندین بار در مرکز و ولایات کشور به مشاهده رسیده است.

فساد در ادارات دولت و بی کفایتی در همه جا بیداد می نماید. ماموران فاسد حکومتی با دریافت رشوه بکاری خویش در ادراست مختلف دولتی دوام داده و بسیاری از ماموران بلند پایه و بلند رتبه بعد از انجام عملی غیر قانونی مورد تعقیب و پیگرد قانون قرار نمی گیرند.

سطح بلند بیکاری هنوز هم باعث فرار مردم از کشور گردیده و زمینه را برای سرباز گیری از جانب مخالفان (طالبان - القاعده) نشسته در پاکستان مساعد نموده و به مرور زمان آنرا بلند برده است. امید مردم از دولت کززی به مرور زمان رفته رفته کاهش یافته و مردم دیگر چندان اعتمادی به کارکنان دولت ندارند.

آقای کززی نیز با در نظر داشت استراتیژی کوتاه مدت، خود را با قدرت مندان فاسد، بد کردار (دارای گذشته و سوابق خراب) یکجا نموده و به اداره یی دولت خویش دوام می دهد.

وضعیت سیاسی:

نیرو های ائتلاف بین المللی کشور های بزرگ سرمایه داری در راس ایالات متحده یی امریکا بعد از یازده هم سپتامبر با حمایت وسیع شان از "اتحاد شمال" نه تنها آنها را کمک رسانید، که دوباره خود را دریابند، بلکه به آنها مساعدت رسانید، که در تبانی با محافظه کاران کهنه کار، باری دیگر پایه های حاکمیت شانرا تحکیم نموده و رسماً آنرا تقویت بخشند، یعنی که چنین کردند، که قدرت دولتی را از طالبان گرفته و آنرا دو دسته برای مجاهدین و محافظه کاران مجدداً تادیه نمودند.

محافظه کاران و عقب گرایان مذهبی مشترکاً خود را به احرام های قدرت رسانیده و تمام شریانهای اساسی (نظامی و سیاسی) در کشور را بدست گرفته و آنرا مطابق به اجندای آیدیولوژیکی و سیاسی خویش حفاظه نموده و رهبری می نمایند.

محافظه کاران و نیرو های عقب گرای کهنه کار اکنون بعد از یک وقفه یی کوتاه یی زمانی، نه تنها توان آنرا دریافته اند، که دوباره خود را جمع و جور نمایند، بلکه اکنون دیگر تصمیم دارند، که حملات مختلف الجوانب خود را بالای نیرو های ترقی خواه و تجدد طلب در کشور از طریق مجاری رسمی و قانونی تشدید بخشیده و خیلی زیرکانه آنرا به پیش به برند.

موقف نیرو های خارجی مقابل سایر نیرو های مختلف سیاسی در داخل کشور:

امریکا از روزی اول حمله یی خویش به افغانستان سیاست دو گانه یی را مقابل نیرو های فعال و مسلح در کشور و روشنفکران بدون سلاح، ولی تعبید در خارج از کشور اتخاذ نمود و آنرا همان گونه به پیش برد. کنفرانس بن و انتخابات بعدی در کشور و سایر گرد همایی های داخلی و بین المللی نیز بدان روحیه و منوال دوام ورزید، که نتایج آن چنین میباشد، که امروز هر یک از ما شاهد آن می باشیم.

امروز به وضاحت کامل گفته می توانیم، که اروپاییان و امریکاییان برای تامین منافع طبقه یی معینی بدان منطقه رفته و در آن کشور حضور به هم رسانیده اند، یعنی آنکه آنها می خواهند جامعه یی بی بند و باری سرمایه داری را در آن کشور اعمار نمایند و نیرو های را پشتیبانی بیدریغ می نمایند، که سری به طرفداری سیستم سرمایه داری می جنبانند.

نیرو های ائتلاف بین المللی در راس امریکا غرض استقرار کدام عدالت اجتماعی و یا تامین منافع طبقه کارگر و یا زحمتکش در افغانستان نرفته اند. آنها برای تعقیب اهدافی معین و دور نمای (استراتژیکی) خویش، که عجالتاً نامی مبارزه با تروریزم را بالای آن گذاشته اند بدانجا شتافته اند. یعنی دست بالا داشتن در تقسیم غنایم و ذخایر وافر طبیعی آن منطقه در آینده.

پس در دولتی فعلی افغانستان به جز از مجاهدین و محافظه کاران نیروی بزرگی دیگر از ترقی خواهان و تجدد طلبان سهمیم نبوده و حضور بهم رسانیده است.

چند نفری که استثنأ حضور بهم رسانیده اند نیروی نمی باشند، که به توانند سد جلوگیری کننده برای تحمیل خواستهای آیدیولوژیکی و سیاسی آنها می گردند، که به سهولت هر لحظه می توانند دست به سلاح برده و تصفیه می حساب را با مخالفین خویش نمایند.

موقف کشور های همسایه مقابل افغانستان:

سیاست کشور های همسایه در حال حاضر و شرایط فعلی در منطقه ثابت نبوده و با تغییر سریع اوضاع نیز در حال نوسان میباشند. این سیاست ها را می توان به سه بخش تقسیم گردانید:

اول: حالت حمله و تهاجم لفظی (در گرد همآیی ها و ملاقاتهای دو جانبه و چند جانبه ملی و بین المللی)

دوم: حالت دفاعی (از طریق نشرات داخلی و خارجی و چینل های دیپلوماسی و تربیون های بین المللی)

سوم: دوستی و همکاری (از طریق سفر ها و ملاقات های رسمی و کانال های دولتی و بین المللی)

موقف نیرو های خارجی مقابل پاکستان:

موقف نیرو های ائتلاف بین الملل و امریکا در منطقه مقابل همه همسایه های افغانستان یکسان نه بوده و در آینده ها نیز یکسان باقی نه خواهد ماند.

اگر نیرو های ائتلاف بین الملل بعد از یازده هم سپتامبر دو هزار و یک و حمله به افغانستان نقش باز دارنده در قبال اقدامات و حملات علنی خرابکارانه می (طالبان - القاعده) خارج از کشور ایفا نمودند. از جانب دیگر سیاست روشن و قابل قبول برای افغانها را در قبال پاکستان آن لانه می طالبانی - القاعده در پیش نه گرفتند. ادارات مختلف استخبارتی کشور های بزرگ صنعتی سازمان یابی مجدد طالبان را در آنطرف سرحد افغانستان، یعنی پاکستان مشاهده نموده و از هیچگونه سیاست فشار در مقابل آن کشور استفاده به عمل نیآورده و به گمان اغلب، که در آینده نیز چنان سیاستی را در پیش نخواهند گرفت.

ادارات استخبارتی امریکا و ناتو امروز معلومات کافی در اختیار دارند، که آی اس آی پاکستان شرایط مساعد را برای فراهم آوری کمک نظامی و لوژستیکی به طالبان در دست داشته و آنرا رهبری می نماید.

امروز نه تنها برای نیرو های ناتو و امریکا در مبارزه با تروریزم در جنوب کشور روشن و هویدا می باشد، که پایگاه طالبان در وزیرستان و کویته می پاکستان قرار داشته و آنها به راحتی به فعالیت های تروریستی شانرا ادامه می دهند.

اکنون تمام تلاش را باید به خرچ داد، تا به این سیاست دوگانه می امریکا و اروپا پایان بخشید.

موقف پاکستان مقابل افغانها و نیرو های خارجی در افغانستان:

پاکستان با حمله نیرو های ائتلاف بین الملل به کابل با هوشیاری کامل موفق به اخراج مصون همه کارمندان و افسران استخباراتی خویش از افغانستان گردید. آنهای که یکجا با طالبان غرض سوق و اداره یی عملیات نظامی داخل کشور گردیده بودند و طالبان را در تصرف شهر ها و ولایات کشور یاری می رسانیدن. پاکستان بعد از یازده هم سپتامبر با وجودی که موافقه کرد، که در جنگ با تروریسم طرف امریکا را به گیرد، ولی تا به امروز تلاش خود را به خرچ میدهد، که منافع اش در این جنگ حفظ گردد.

پاکستان از همان ابتدا دخول نیرو های ائتلاف بین المللی به افغانستان تلاش ورزیده، که از این بازی جدید سیاسی در منطقه استفاده های استراتژیکی خود را نموده و سعی داشته، که از این بازی های کثیف، خود را پاک و بیغرضانه، ولی موفقانه از صحنه یی نظامی و سیاسی افغانستان خارج نماید. تاکنون تلاش همیشه گی پاکستان آن بوده، که مردم افغانستان را در جوامع بین المللی، یک ملت وحشی و بدور از تمدن معرفی نموده و به نمایش بگذارد.

مقامات دولت پاکستان همان طوریکه ایام جنگ سرد مخالفان نظامی و سیاسی دولت های افغانستان را در سرزمین خود جا داه و پناه داده بودند، همین اکنون نیز به همان سیاست خویش دوام داده و میدهد. برای دولت و اداره یی استخبارتی پاکستان به کلی معلوم و هویدا می باشد، که نه تنها اسامه بن لادن و ملا عمر، بلکه گلبدین حکمتیار در کجا و کدام نقطه یی پاکستان اقامت و زنده گی داشته و چگونه مصروف فعالیت های تخریب کارانه یی نظامی و سیاسی شان می باشند.

پاکستان هر زمانی و به بسیار آسانی می تواند، نه تنها رهبری القاعده، بلکه طالبان را نیز برهم بزند، ولی هرگز این کار را نمی کند، زیرا انجام آن به دور از منافع آن کشور در افغانستان و منطقه بوده و می باشد. پاکستان تاکنون تمام تلاش خویشرا به خرچ داده، که تحت عنوان طالبان اعتدالی نیرو های آنها را شامل حکومت کرسی نماید و برای انجام آن منظور تلاش دارد، که دولت امریکا را نیز قناعت داده و به طرفداری خود بکشاند.

دولت امریکا و بریتانا بسوی دولتمداران و سیاستمداران پاکستان در مقایسه با سیاستمداران و دولت مندان افغانستان به نظری نیک و اعتماد نگریسته و سیاست دو گانه را به سود پاکستان تعقیب و پیروی نموده اند. وظایف روشنفکران و نیرو های ترقی خواه در کشور می باشد، که در توضیح و تشریح این سیاست به مردم پرداخته و به دوام این سیاست میان دولتین خاتمه بخشند.

موقف نیرو های ائتلاف بین المللی و امریکا مقابل ایران و روسیه:

سیاست امریکا و نماینده گان نیرو های ائتلاف بین المللی در افغانستان مقابل روسیه و ایران تقریباً یکسان بوده اند، یعنی شک و تردید و عدم اعتماد و حفظ آن دو کشور در حدود فواصل معین از سرحدات رسمی افغانستان و جلوگیری از هرگونه مشوره با آنها در شرایط حاضر در ارتباط به مسایل مربوط به حال و آینده یی افغانستان.

نیرو های نظامی ائتلاف بین المللی در عین حالی که رولی بزرگی را در مبارزه با تروریسم به پاکستان قایل می گردند به آن دو کشور روسیه و ایران هیچ گاهی قایل نه گردیده و نه خواهند گردید. در حالیکه هر دو

کشور نیز همسایه بی افغانستان بوده و هر دو کشور نیز دارای پوتانسیل بزرگی اقتصادی؛ نظامی و سیاسی بوده و می باشند.

در این اواخر وزیری دفاع امریکا حتا ایران را در اختیار گذاری سلاح به طالبان نیز محکوم گردانید، در حالیکه برای بسیاری از سیاستمداران منطقه و جهان روشن و هویدا می باشد، که نیرو های حاکم در ایران هیچ گونه علاقه مندی به طالبان و رهبری آنها نشان نداده و زمانی ایام زمامداری طالبان حتا نزدیک بود، که جنگ رو در روی نظامی میان آنها در گیرد.

امریکا و کشور های بزرگ سرمایه داری در مورد سیاسیون روسیه و مقامات گوناگون آن کشور نیز نظری نیکی ندارند. آنها نه تنها در آسیا، بلکه در اروپا نیز با روسیه در جنگ و جدل های لفظی و دیپلوماسی قرار داشته و دارند.

نیرو های مستقر نظامی ناتو در افغانستان نیز بدون کدام واقع بینی و درنگ سیاسی پیروی بیچون و چرای شانرا از سیاست امریکا در آسیا و اروپا نشان داده و خود را در پهلوی امریکا می دهند. اینها همه نکات تشنج جدید اند، که نتایج منفی شانرا در آینده ها در منطقه تبارز خواهند داد و یگانه کسانیکه از این تشنجات باز هم رنج خواهند برد افغانستان و مردم آن خواهد بود.

موقف ایران، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و روسیه مقابل افغانستان:

ایران برخلاف سیاستهای دو گانه بی امریکا تلاش ورزیده، که با براه اندازی همکاری های طویل المدت حضور دایمی خود را در صحنه بی سیاسی افغانستان حفظ نموده و آنرا تضمین نماید.

کشور های جدیداً با استقلال رسیده در شمال افغانستان (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان) تلاش می ورزند، که به هر شکلی که باشد مناسبات دوستانه بی شانرا با دولت جدیداً به میان آمده در افغانستان مجدداً تحکیم نمایند و از همان لحاظ پیوسته تلاش دارند، که برای ثبات بیشتری افغانستان یک سلسله سرمایه گذاری های شانرا در آن کشور نمایند.

روسیه با تجدید نظر نسبی در سیاست هایش در (آسیای میانه) تلاش جدی به خرج داده روانست، که با در نظر داشت پوتنسل (امکانات ذخایروی بزرگ معدنی) در کشور های جدیداً از بند رسته در آسیای میانه آنها را با تشکیل بلوک های "حفاظه وی" نظامی و سیاسی منطوقی شامل آن نموده و بدان ترتیب حضور نظامی و سیاسی خویش را برای مدت های معینی تاریخی مجدداً در منطقه تامین نماید.

وظایف نیرو های ترقیخواه و تجدد طلب در شرایط حاضر:

از شانس تاریخی (حضور اجباری اروپا با امریکا در افغانستان) که به وقوع پیوسته است، باید استفاده موثر را به نفع (طبقات کم درآمد و زحمتکش) در افغانستان نمود.

کار وسیع را به خاطری توضیح سیاست جانبدار اروپا با امریکا به نفع محافظه کاران در داخل کشور و به سود پاکستان در خارج از کشور برای مردم باید براه انداخت.

در مورد حضور نیروهای نظامی خارجی در کشور:

از تعقیب سیاست‌های نرمش و سازش در مورد حضور نظامی نیروهای ائتلاف بین‌المللی و آمریکا در کشور صرف نظر ورزید. درین بخش باید سیاست شفاف را تدوین نموده و پیشکش ورزید. موجودیت قوای ایساف یا ائتلاف بین‌الملل در راس ایالات متحده آمریکا در افغانستان را باید از سه جانب مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

اول: ضرورت موجودیت آنها در شرایط حاضر در کشور.

دوم: اجرای وظایف توسط آنها در کشور.

سوم: پلانهای آنها برای افغانستان و منطقه و مبارزه با تروریسم.

اول: ضرورت موجودیت آنها در شرایط حاضر در کشور:

در باره مسله‌ی اول باید تذکر داد، چون در اثری چند دهه جنگ در افغانستان تمام بنیاد مادی آن کشور برباد رفته و نیروهای نظامی داخل کشور توان مبارزه‌ی بی‌رو در رو و مستقیم را با گروه‌های اجیر منطقه و عربی نداشته بناً موجودیت قوای خارجی در حال حاضر یک ضرورت حتمی برای یک مدت زمانی بوده و می‌باشد.

اول: موجودیت آنها باید برای یک مدت معین تعیین گردانیده شود و نیروهای گوناگون سیاسی نیز باید از تعیین آن معیاد پشتیبانی به عمل آرند.

دوم: اجرای وظایف توسط آنها در کشور:

در باره‌ی اجرای وظایف توسط آنها در داخل کشور توسط آنها سر و صداهای فراوان بلند می‌باشد. **اول:** در قدم نخست باید وظایف آنها در داخل کشور معین گردانید. آنها اصلاً به خاطر مبارزه با تروریسم و فوندامنتالیسم داخل افغانستان شده و در صورت ختم آن ضرورت کشور را باید ترک نمایند. ولی با کمال تأسف، که وضعیت حقوقی این نیروها عجلتاً آنها را در موقعیت فرا قانونی قرار داده است، به این نابرابری باید به زودی خاتمه بخشید.

دوم: نیروهای نظامی ناتو و امریکاییان مستقر در افغانستان، نباید اجازه اجرا و انجام هر کاری را زیری عنوان مبارزه با تروریسم در داخل کشور به خود بدهند.

سوم: گلیم زندانهای شخصی آنها در داخل کشور جمع‌آوری گردیده و بزودی مسدود گردانیده شوند. زیرا غرض انجام چنین اعمال دولتی برحالی در کشور وجود دارد، که زندانهای در اختیار خود دارد.

چهارم: اجازه و صلاحیت گیر و گرفتاری افراد و اشخاص توسط آنها و از جانب آنها سلب گردانیده شوند. آنها می‌توانند صرف آن‌عده از افرادی را که در جنگهای مستقیم مقابل آنها شرکت می‌نمایند خلع سلاح نموده و بعد از دستگیری آنرا به پنجه‌ی قانون به دولت افغانستان به سپارند.

پنجم: از شکنجه و بد رفتاری با زندانیان تحت بازداشت، باید هرچه عاجل تر جلوگیری به عمل آورد. زیرا امریکاییان حق و صلاحیت شکنجه اسیران شان را در سرزمین های خارج از کشوری شان ندارند.

ششم: از تیر اندازی های پیشگیرانه نوع (پانیک) آشفته و وحشت زای آنها در داخل شهر ها بالای غیر نظامیان ملکی باید جداً جلوگیری به عمل آورد و در صورت انجام چنان اعمال توسط هر کی که باشد، باید مورد باز پرس قانونی قرار داده شود.

هفتم: از تلاشی های منازل توسط آنها جلوگیری به عمل آورده شود و تلاشی برای آنها صرف در صورت حضور نیرو های نظامی افغان اجازه داده شود.

هشتم: بمباردمان هوایی نیرو های نظامی ناتو تحت کنترل در آورده شود و از کشتار غیر نظامیان ذریعه یی حملات هوایی جلوگیری به عمل آورده شود. همان گونه بسا مسایل داخلی دیگر از قبیل برای آنها روشن ساخته شوند.

سوم: در مورد پلانهای آنها برای افغانستان و منطقه و مبارزه با تروریسم:

در باره یی موجودیت نیرو های خارجی و پلانهای استراتژیک آینده یی آنها در منطقه باید موقف خود را کاملاً روشن بیان نموده و آنرا چنین معین کرد، که:

اول: ما مخالف موجودیت نیرو های خارجی برای معیاد های دوامدار در افغانستان بوده و نه تنها از جامعه جهانی، بلکه از دولت مستقر در کشور تقاضا می نمایم، که موقف خود را در باره یی حضور آنها و معیاد موجودیت آنها و آینده یی آنها رسماً اعلام بدارد.

دوم: از نیرو های مستقر نظامی ناتو و امریکا در افغانستان و ادارات استخباراتی آنها تقاضا می گردد، که سیاست خود را در قبال دولت پاکستان روشن نموده و به آن شفافیت لازم را به بخشند. زیرا امروز برای یک طفل افغان هم معلوم می باشد، که تروویستان فوندامنتالیست در سرزمین همسایه افغانستان، یعنی پاکستان زنده گی داشته و مصروف فعالیت های تروریستی شان می باشند. امیدوارم که فعالیت های آنها اکنون برای ادارات استخباراتی آنها نیز هویدا گردیده باشد.

سوم: از دولت همسایه یی دوست پاکستان جداً تقاضا به عمل می آید، تا در سیاست شان در قبال طالبان و در مبارزه با تروریسم دست از تعقیب سیاست دوگانه مقابل افغانستان بردارند.

وظایف نیرو های ترقیخواه و تجدد طلب در بخش اقتصادی:

آواز براه اندازی پروژه های کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی را غرض دگرگون سازی مناسبات اجتماعی و اقتصادی در کشور هرچه بلند تر گردانید.

از حرکت بیدرنگ جامعه بسوی یک بازار مصرفی جلوگیری به عمل آورد. به مبارزه دوامدار مقابل سیستم بازار آزاد اقتصادی پرداخت. در جستجوی الترناتیف مناسب مقابل بازار بی بند و باری آزاد اقتصادی در کشور برآمد، زیرا طوریکه تا به حال به مشاهده رسید، بازار آزاد اقتصادی نیز حلال مشکلات مردم نه بوده و در آینده نیز نه خواهد بود.

طرح های قابل تطبیق را برای انکشاف پلان وار افغانستان باید پیش بینی نموده و آنرا در اختیاری مردم قرار داد.

وظایف نیرو های ترقیخواه و تجدد طلب در بخش سیاسی:

غرض جلب وسیع از توده های مردم، باید سیاست شفاف سیاسی را به سود طبقات مختلف سیاسی در پیش گرفت.

در نو سازی جنبش از دستاورد های جنبش های مترقی در جهان استفاده یی وسیع و همه جانبه ورزید. غرض مبارزه یی مشترک و تضعیف هجوم های مشترک نیرو های ارتجاعی بالای روشنفکران و دگر اندیشان، باید سیاست هماهنگ و مشترک را در پیش گرفته و آنرا با دیگر نیرو های ترقی خواه هماهنگ گردانید. به تصفیه یی حسابات میان همدیگر و مقابل همدیگر خاتمه بخشید. نیرو های مترقی باید از همین اکنون در جهت هماهنگی اهداف و پروگرام های استراتژیکی شان برآمده و در جهت تحقق آن به مبارزه یی مشترک به پردازند. برای مردم باید جهات گوناگون طرح ها و برنامه های دست داشته یی سیاسی را توضیح داد.

وظایف نیرو های ترقیخواه و تجدد طلب در بخش تشکیلاتی:

در نو سازی ساختار های تشکیلاتی توجه نموده و آنرا دوام بخشید. در جهت نزدیکی ساختار های تشکیلاتی با آنعده از گروه های سیاسی، که دارای برنامه های روشن سیاسی اند، تلاش پیگر را به خرج داد. دیگر ضرورت برای ضیاع وقت بیشتر از این و اضافی نمی رود.

به امید درک دقیق وظایف و وجایب در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در کشور !

www.esalat.org